

دست " مجاهدین " از آستین مصداقی

مقدمه :

اوضاع اسفناک کنونی ، فقدان یک بدیل نیرومند انقلابی و از سوی خطر تجاوز به ایران وظایف فوری و نوبتی را در مقابل کمونیستها و تمامی آزادیخواهان و دمکراتهای انقلابی قرار میدهد.

شکی نیست مطلوب نیروی های انقلابی و کمونیستی ؛ وجود یک آلترناتیو قدرتمند و منسجم کمونیستی است که قادر باشد با بسیج توده های رنج و کار در پروسه یک انقلاب قهرآمیز سوسیالیستی رژیم جهل و جنایت جمهوری اسلامی را سرنگون سازد و با استقرار دولت سوسیالیستی و بسیج ملیونی توده ها در مقابل نیروی متجاوز امپریالیستی بایستد و از حاکمیت و موجودیت کشور دفاع نماید. با استقرار جمهوری سوسیالیستی در ایران ننتها خطر تجاوز و تحریم و تحریکات امپریالیستی بر طرف نمی گردد بلکه به خاطر ماهیت ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی خویش، وحشیانه تر مورد هجوم و تجاوز قرار میگیرد. خوب است به نمونه های تاریخی انقلابات شوروی، چین و ویتنام نظری افکنیم تا به توطئه ها و ماهیت پلید ممالک امپریالیستی بهتر پی ببریم.

همانطور که اشاره رفت مطلوب نیروهای انقلابی و کمونیستی ؛ وجود آلترناتیو قدرتمند انقلابی و کمونیستی در عرصه ملی و بین المللی است که قادر گردد با بسیج صد ها میلیون انسانهای آزادیخواه و صلح دوست مانع از تجاوزگری بربرمنشانه دول امپریالیستی بسرکردگی آمریکا به دول ضعیف و مانع عراقیزه شدن کشورها گردد.

اما فقدان چنین مطلوبیت انساندوستانه در عرصه ایران و جهان ، نباید ما را بجائی بکشاند که از دیدن پیچش مو ، تنها تار مو را نظاره گر باشیم و یا بجای دیدن جنگل ، تنها درختان را ببینیم ، و بخاطر تنفر بحقمان از رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی ایران ، با ندیدن واقعیات های دنیای کنونی از ماهیت سیاستهای جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا غافل گردیم و از آن بدتر در مقابل تبلیغات دموکراسی خواهی امپریالیسم کرنش کنیم و تحت عنوان مبارزه با رژیم اسلامی ایران به جبهه دشمنان کثیف مردم ایران و جهان پناه بریم.

تصویری کوتاه از دنیای واقعی کنونی :

بعد از فروپاشی ابرقدرت امپریالیستی شوروی، جهان دوقطبی به جهان تک قطبی به سرکردگی آمریکا تبدیل شد. اکنون بلوکهای نیرومندی مانند چین و ژاپن و اروپای متحد و روسیه دیگر قیمومیت و سرکردگی آمریکا را نمی پذیرند و تضادهای شان هر روز عمیقتر میگردد. نزاع بین بلوکهای امپریالیستی بر سر تقسیم مجدد جهان بشدت ادامه دارد.

اکنون امپریالیست ها بسرکردگی امپریالیست آمریکا تلاش دارند با ابزار های اقتصادی و سیاسی چون ؛ سازمان تجارت جهانی- صندوق بین المللی پول و بانک جهانی احکام و قوانین استعماری و استثمار خویشت را بر میلیاردها بشریت تحت ستم دیکته و تحمیل گردانند .

در راستای این سرکردگی بر جهان است که در شرایط فقدان آلترناتیو قدرتمند انقلابی ، امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا یکه تاز جهت تحمیل این قوانین غارتگرانه ؛ به افغانستان- یوگسلاوی- عراق(دوبار)- فلسطین و لبنان بربرمنشانه یورش برد و با نابودی شریانهای حیاتی ، با قتل عام ، مجروح و معلول گرداندن میلیونها انسان ، چهره واقعی خویش را به نمایش گذاشت . احیای استعمار کهن در قالب الفاظ جدیدی در دستور کار امپریالیسم آمریکا قرار گرفته است.

اخیرا مقاله ای تحت نام "پاسخ به پرسش هایی درباره ی انرژی هسته ای، تحریم اقتصادی و .." از آقای ایرج مصداقی به نگارش درآمده که مخالفت های زیادی را بهمراه داشته است . مقاله ، نقد

و نظریات مختلف و ارزنده ای تا کنون پیرامون این مقاله به نگارش درآمده است. باورم بر این است که می باید مقالات منتقدانه بیشتری پیرامون این مقاله بی وقفه ادامه یابد. نه از این جهت که چون این مقاله توسط آقای مصداقی به نگارش درآمده، بلکه از این بابت که نظر ارائه شده بی نهایت انحرافی و خطرناک می باشد.

در واقع مقاله آقای مصداقی جوهر کلام طیف طرفداران آمریکائی- اسرائیلی را یکجا در خود مستتر دارد. طیفی که بدلیل ارتجاعی بودن نظراتشان هرگز شهادت بیان شفاف آنرا نداشته اند و همواره منتقدان خویش را به عوامل اطلاعاتی رژیم نسبت داده اند. آقای مصداقی با نگارش این مقاله بمتابه دست مثلث شوم که از آستین وی بیرون زده، عمل نموده است و طبیعی است این امر بدان معنی نیست که آقای مصداقی از نظر تشکیلاتی- سیاسی به یکی از عناصر این طیف تعلق دارد، بلکه منظور مضمون مقاله ایشان است که متاسفانه جمع نظرات این طیف را نمایندگی می کند.

طیف طرفداران آمریکائی- اسرائیلی، شامل؛ سلطنت طلبان بمتابه نوکران آشکار و مزدوران عیان امپریالیسم آمریکا معرف حضور همگانند و نیازی در وصف سر سپردگی این خانان به مردم ایران نیست. فقط کافی است بدانیم این جرثومه گان فساد، همان کسانی هستند که توسط ایدئولوگ خویش داریوش همایون دبیر اول حزب فاشیستی رستاخیز در حالی که اعلان می کردند؛ مخالفین می توانند با دریافت پاسپورت به خارج از کشور سفر کنند، آزادیخواهان- انقلابیون و بویژه کمونیست ها را در شکنجه گاههای قرون وسطی به صلابه کشیده و دمار از گردنه شان درآورده بودند. بشهادت بسیاری از شکنجه شدگان، این عناصر پلید و کثیف ساواک شاه بود که در شکنجه گاههای رژیم اسلامی در سمت استادی، شکنجه گران حزب الهی را آموزش می دادند. این مزدوران نظام فاشیستی رژیم وابسته به امپریالیسم آمریکا که توسط انقلاب شکوهمند بهمن 57 به زباله دان تاریخ سپرده شدند، تنها شانس به قدرت رسیدن و جرئت بازگشت خویش به ایران را در تجاوز بربرمنشانه امپریالیست آمریکا به ایران میدانند.

" حزب کمونیست کارگری "، عنصر معلول الحال دیگر این طیف است. این جریان نا سالم و بی هویت " سیاسی " که اساساً بمنظور دفاع از منافع دولت فاشیستی مذهبی آمریکا و صهیونیست های اسرائیلی بوجود آمده است و آنان را دولت های " دمکراتیک " می داند با کمک های مالی- خدماتی این هیولای جهانخوار در قید حیات می باشد و همچون سلطنت طلبان شانس در قدرت خزیدن را در تهاجم وحشیانه امپریالیست آمریکا و صهیونیست های اسرائیلی به ایران می بیند. این جریان خالی بند همان جریانی است که دفاع از میهن مورد تجاوز قرار گرفت را، برابر با فاشیسم و جنایتگری می داند. این جریان همان جریانی است که؛ تجاوز بربرمنشانه آمریکا به افغانستان را " مثبت " و در جهت توسعه مردم آن دیار ارزیابی نمود. این جریان بر اساس " سناریو سفید و سیاه " حکمت؛ ماندگاری قوای تجاوزگر امپریالیستی در عراق را در جهت خدمت به طیف سفید می داند که امپریالیست آمریکا و صهیونیست های اسرائیلی از حافظان این طیف می باشند. این جریان از بدو تولد شومش تا کنون هرگز؛ چه در نشریات سازمانی و چه در سمینارها، کنفرانس و کنگره هایش حتی یک شعار استرژیک علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیست های اشغالگر و نژاد پرست نداشته است. و تنها برای رد گم کردن ماهیت ضد کارگری و ضد کمونیستی اش هرازگاهی این جا و آنجا الفاظی علیه دولت آمریکا و اسرائیل بکار برده است، که نظیر چنین الفاظ و واژه هایی و حتی بمراتب شدید تر از آن نیز از دهان سناتورهای آمریکائی و اسرائیلی مدت هاست که نقل مجلس جنگ زرگری جناحین این محافل ضد بشری است.

" سازمان مجاهدین خلق "، که بحق روزی مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا از افتخارات سازمانی اش بود. سازمانی که رهبران واقعی اش چون سعید محسن و حنیف نژاد مبارزه علیه امپریالیسم و بویژه علیه امپریالیست آمریکا را هویت سازمانی خویش می دانستند. اکنون این سازمان کارش بجائی رسیده که بعد از ندامت خواهی از آستان امپریالیسم آمریکا (نفی اعدام های انقلابی مستشاران آمریکائی در عملیات چریکی)، توسط نمایندگانش اعلام می دارد که؛ حاضر به انجام

ننگین ترین کارهایی که آدمکشان آمریکائی از انجام آن شرم دارند ، می باشند . هم اکنون علی رضا جعفر زاده بعنوان سفیر " مجاهدین " در واشنگتن دارای دفتری است در کنار ماموران " سیای " تا با همکاری های تنگاتنگ به سرنگونی، ببخشید به تغییر رژیم نائل آیند . امری که توسط مریم رجوی اخیرا در دیدار با برخی از نمایندگان نروژی سریعا بیان گردید . مریم رجوی رسماً اعلان داشت تنها با همکاری دول اروپائی (بخوان دولت های امپریالیستی) قادر خواهیم بود رژیم اسلامی تهران را تغییر دهیم و یا در پیام اخیرش به بوش ؛ خواستار پیاده کردن دموکراسی آمریکائی از تهران تا دمشق گردید . این سازمان بعد از چرخش در مواضع انقلابیش بخاطر بی اعتمادیش ب مردم ، شانس بقدرت رسیدن را در رکاب امپریالیسم آمریکا و ابتدا از طریق تحریم های اقتصادی خانمانسوز دول امپریالیستی علیه ایران می داند . بی جهت نیست بعد از صدور قطعنامه تحریم شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران ، به جشن و پایکوبی پرداختند .

آقای ایرج مصداقی چهره نسبتاً آشنایی بین زندانیان سیاسی است . ایشان تا کنون مقالات متعددی در افشای ماهیت ضد انسانی و کثیف رژیم اسلامی ایران به نگارش در آورده است . بویژه چهار جلد کتاب ارزنده تحت نام " نه زیستن نه مرگ " از آثار درخشان ایشان می باشد . آثار ارزشمندی که حاصل سالها مطالعه و تحقیق می باشد . آثاری که بدرخشان ترین وجهی چهره بغایت فاشیستی قدار بندان رژیم ملایان در زندانها را افشای نموده است . آثاری که شرافتمندانه و جانانه از پایمردی زندانیان سیاسی بدفاع برخاسته است . آثاری که بدرستی سکوت قبرستان دول امپریالیستی و مجامعه بین المللی در قبال کشتار زندانیان سیاسی در تابستان 1367 را بجالش کشید و سکوت معنی دار آنانرا تلویحا دفاع از رژیم دانست .

ولی افسوس ، اکنون آقای مصداقی بخاطر تنفر بحق اش از رژیم قرون وسطی جمهوری اسلامی ایران متاسفانه کارش بجائی کشیده است که با چشم بستن بر آقیانوسی از بربریت دول امپریالیستی و بویژه آمریکا ، از حق و حقوق دول و ملل که ناشی از دستاورد مبارزاتی بشریت مترقی در طول اعصار تاریخ است ، دستاوردی که جهت دستیابی بدان دریائی از خون جاری گشته است ، چشم فرو می بندد تا شاید از نظر روحی و روانی آرامش خاطر یابد . غافل از اینکه با نفی آشکار واقعیت های کنونی نمی توان با طیب خاطر از کنار بزرگترین فاجعه تاریخی قرن گذر نمود و خود را نویسنده آن آثار درخشان دانست .

نقدی مختصر بر پاره ای از نظرات آقای ایرج مصداقی :

آقای مصداقی خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی توسط " مجامع بین الملل " یعنی دول امپریالیستی بسرکردگی آمریکا می باشد . ایشان فراموش می کنند که تمامی قتل و کشتار بیرحمانه نیروهای های انقلابی و سرکوب و غارت همه زحمتکشان ایران ، در همدلی و همصدائی با امپریالیستها انجام گرفت . امپریالیستها هیچ گاه به این اقدامات ضد انسانی رژیم اعتراض نکرده بلکه سکوت مرگ پیشه کرده بودند و در آن زمان جام های شرابشان را به سلامتی رژیم سر میکشیدند .

ایشان فراموش می کنند که اصولا بگیر و به بند های رژیم که از سال 60 بطور عریان و گسترده آغاز گشت و با بکار گیری فاشیسم عریان خمینی که از کشیدن خون زندانیان سیاسی بی دفاع در بند دریغ نداشت ، نمی توانست بدون بند و بست های این رژیم با دول امپریالیستی انجام پذیرد . و اصولا این فاشیسم مذهبی بد هبیت نمی توانست بدون چراغ سبز دول امپریالیستی که ایشان مجامع بین المللی می نامد به چنین سهولتی به اجرا در آید و یا لااقل نمی توانست بدین راحتی و با چنین بی تفاوتی دول امپریالیستی (بقول مریم رجوی دول اروپائی) انجام گیرد . آقای ایرج مصداقی گویا فراموش کرده اند ؛ در حالی که شمشیر فاشیسم خمینی بیکر جنبش انقلابی را تکه تکه می کرد ، در حالی که زندانهای سراسر ایران از انبوه دستگیر شدگان انقلابی پر گشته بود بطوریکه رژیم مجبور بود از اماکن مسکونی و زیر زمینی مخفی استفاده نماید ، در حالی که علنا و رسماً تعداد تیرباران شدگان (حداقل روزی 100 تن) توسط رسانه های رژیم اعلام می

گشت و خبر آن بسرعت به سراسر دنیا انتقال می یافت ، چرا از دول امپریالیستی در چنین شرایط خون و باروت ، کوچکترین کلام اعتراضی برنخواست؟!

آیا تصور نمی کنید این سکوت دول امپریالیستی که شما آنرا بنا درستی مجامع بین المللی می نامید ، بمعنی رضایت آنان در تائید فاشیسم خمینی و در راستای سیاستهایش نبود؟!

آیا سکوت معنی دار این دول امپریالیستی در زمان قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان 67 که طی کمتر از دوماه هزاران نفر را وحشیانه قتل عام کردند ، با توجه به نامه های اعتراضی خانواده های زندانیان سیاسی و فعالان حقوق بشری که مجامع بین المللی را در جریان این جنایت علیه بشریت قرار داده بودند، بمعنی تائید فاشیسم خمینی نبود؟!

حال آفتاب از کدام سمت طلوع کرده که این " جامعه بین المللی " ، این قاتلان واقعی صدها میلیون انسانهای بی گناه (امپریالیسم جهانی و در راس آن آمریکا تا کنون دهها میلیون انسان را بصورت " مدرن " قتل عام نموده است) ، این جانیان بی وجدان که آدمکشی در نهاد سیستم ستمگرانه شان می باشد، این آدمکشان حرفه ای که دریایی از بیدادگری- دریایی از غارتگری- دریایی از اسارت میلیونها انسانها بیلان اعمال ننگین و سیاهشان می باشد ،بیک باره با چرخش قلم آقای مصداقی به مدافعین مردم زحمتکش تبدیل گشته و در نقش فرشته نجات مردم ایران از آنان خواسته می شود با شدت و سرعت هرچه تمامتر توسط عمل ضد انسانی تحریم اقتصادی کار رژیم را یکسره کنند تا تحریم کارساز باشد . و برای وی مهم نیست در اثر این عمل کثیف پست فطرتانه و جنایتکارانه صدها هزار نفر کشته شوند، چراکه به زعم آقای مصداقی سالانه بیش از 30 000 تن در تصادفات رانندگی و یا آلودگی هوا در ایران کشته می شوند ، این تعداد هم اضافه بر آن ، چه اشکالی دارد . و یا بزعم یکی از هم پاله گی های آقای مصداقی که رسماً طی یک سنوال رادیونی (رادیو همبستگی) اعلان داشت ؛ چه اشکالی دارد که آمریکا چند تا از نیروگاههای اتمی ایران را هم بمباران کند .

در واقع برای این جریانات تشنه قدرت که اعتماد به زحمتکشان ، اتکا به نیروی لایزال خلق را از دست داده اند تفاوتی نمی کند که در اثر این بمبارانهای وحشیانه صدها هزار تن کشته- مجروح و معلول گردند-مراکز مهم اقتصادی ، صنعتی ، تجاری و کلا شریان حیاتی کشوری نابود گردد- دهها سال کشور به عقب فرستاده شود- تا چندین دهه به بهانه باز سازی کشور توسط کرکسان غارتگر انحصارات دیک چنی ، بوش ، رامزفلد ، مردم ایران به دولت امپریالیستی آمریکا بدهکار گردند . طبیعی است کشور در هم کوبیده شده باید تا زمان باز پرداخت بدهی خویش تحت احکام و قوانین آنان قرار داشته باشد و باز بدیهی است که دود این باز پرداخت های اسارت آور به چشم مردم می رود و نه رژیم . در غیر این صورت بزعم طرفداران طیف مثلث شوم باید تا ابد یوغ اسارت و بندگی رژیم را بر گردن نهند . جدأ بی اعتمادی به مردمی که این همه سنگش را بسینه می زنیم تا چه حد؟! بی دورنمایی به آینده که ناشی از منیت های روشنفکرانه است تا چه اندازه که مجبورمان میکند از امام زاده خمینی و سپس امام زاده صدام ، به امام زاده امپریالیسم دخیل بندیم!!!!

جناب مصداقی می نویسد :

" این رژیم ارزشی برای جان و یا سلامتی مردم قائل نیست . تعهدی ندارد آن ها به فکر ام القرا خود و دست انداختن بر منطقه هستند . "

گویا امپریالیست آمریکا و بازوی نظامی اش صهیونیستهای اسرائیلی که تا کنون بیش از صدها هزار انسانهای بی گناه را قتل عام نموده اند ، و تنها در عراق در طی 4 سال بیش از 655 هزار تن را با بمب- موشک- خمپاره- گلوله بخاک و خون کشیده اند ، هستی یک کشور را نابود کرده اند- دهها هزار نفر را با پست فطرتانه ترین شیوه های ممکن شکنجه نمودند ، و یا دولت جعلی و بی هویت صهیونیستی اسرائیل- غده چرکین- فاشیستی مذهبی ترین رژیم تاریخ- بزرگترین اشغالگر قرن که بیش از 70 درصد از سرزمینهای فلسطینیان را بر اساس خرافات مذهبی در اشغال دارد- رژیم استعماری که از هم خوابگی با انحصارات آمریکائی متولد گشت ، ارزشی برای جان و سلامتی انسانها قائل هستند که به زعم جناب آقای مصداقی باید از فناوری هسته ای برخوردار باشند!؟

راستی آقای مصداقی می دانید که امپریالیست آمریکا دارای هزاران بمب اتمی- هیدروژنی- خوشه ای- فسفری- و ... می باشد . براسستی اطلاع دارید این هیولای جهانخوار که تا کنون چندین بار سابقه شرارت علیه بشریت داشته است و فقط در یک فقره صدها هزار تن را در هیروشیما و ناکازاکی نابود- مجروح و معلول کرده بطوریکه هنوز بعد از گذشت تقریباً 70 سال از آن واقعه ، نوزادان ناقص الخلقه متولد می شوند و باید تا آخر عمر، هم خود و هم خانواده شان زجر بکشند . براسستی تا کنون طعم داشتن فرزند معلول (امیدوارم هرگز چنین مباد) را چشیده اید که چنین بی احساس در طیف جریاناتی قرار گرفته اید که شب و روز دعا می کنند کشور ایران هرچه زودتر توسط آمریکا بمباران گردد . حتما اطلاع دارید که این بمباران از نوع اتمی و با بمب های هوشمند چند هزار تنی انجام میشود و نمی تواند حداقل فاجعه اش با توجه به هدف نیروگاههای هسته ای ایران کمتر از هیروشیما و ناکازاکی باشد . براسستی شما جداً در حالت هوشیاری تصور می کنید ایران با فرض داشتن چند بمب اتمی می تواند برای صلح جهانی خطر ساز باشد ، در حالی که حتما آگاهید که غول بی شاخ و دم آمریکا دارای سلاحهای ضد موشک اتمی است و آنرا در اختیار چماق صهیونیستی اش قرار داده است . حال براسستی ایران خطرناکتر برای صلح جهانی است و یا آمریکا!!!!!!

مصداقی :

" در مباحث حقوقی بر خورداری از " حق " همراه با مسئولیت پذیری است . رژیم جمهوری اسلامی رژیم مسئولیت نا پذیر است . "

و یا اینکه :

" پیشرفت در زمینه های علمی و تحقیقاتی و از جمله دست یابی به فن آوری هسته ای حق مسلم مردم ایران است . این حق بدون گفتگو و تردید نا پذیر است . اما دولت جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست که بخواهد از این حق استفاده کند و یا خود را حامی و سخنگوی حقوق مردم ایران قلمداد کند ، به همین خاطر در این جا مناقشه ای پدیدار می شود که این حق قرار است در دستان چه کسی و چه گروهی قرار گیرد و یا چه کسی می تواند داعیه دار آن شود . "

اینکه رژیم جمهوری اسلامی ایران مسئولیت پذیر و نماینده مردم نیست امری است کاملاً درست و هیچگونه جای شک و تردیدی در آن نمی باشد . ولی اگر قرار باشد بر اساس فرمول آقای مصداقی، حرکت نمود و دول و ملل را از حق داشتن فناوری هسته ای و یا حقوق برسمیت شناخته شده بین الملل محروم گرداند ، جداً در این صورت بجز چند کشوری که تعدادشان از انگشتان دست تجاوز نمیکند بقیه کشورهای جهان را می باید از این " حق " محروم گردند . به بیان دیگر طبق فرمول شما بجز رژیم ایران و چند کشور دیگر ، بقیه کشورها و از جمله آمریکا و اسرائیل که دیگر هر کودک دبستانی هم نیز در ماهیت چرک و خون آنان تردیدی ندارد را باید جزء کشورهای مسئولیت پذیر و مردمی بحساب آورد .

و یا :

" رژیم به دنبال فرصت برای دست یابی به سلاح اتمی است . زمان را نبایستی از دست داد . به نظر من تحریم می بایستی تشدید و تسریع شود تا کار ساز باشد "

ترجمه دری " فرمول مشکل گشای آقای مصداقی " :

" جهان کنونی می باید در تابعیت انحصارات امپریالیستی آمریکائی- اسرائیلی قرار داشته باشند . این دول امپریالیستی و بویژه آمریکائی هستند که بعنوان " ولایت فقیه جهانی " بر بشریت و دولت ها تصمیم خواهند گرفت ؛ که حق استفاده از " حقوق " بین المللی شامل چه کشور و دولتی گردد و چه ممالک و مللی باید از این " حق " محروم باشند .

با توجه به این فاکتور مهم که مرجع تصمیم گیری امپریالیستی آمریکائی ، هم از نظر اقتصادی- سیاسی- نظامی- امنیتی و حتی فرهنگی صدها مرتبه بر " ولایت فقیه " رژیم ملایان تهران ارجعیت دارد ، طبق اصل زوگویانه دولت آمریکا ؛ هر کس با ما نیست و تابعیت احکام و قوانین ما

را غیر مسئولانه نمی پذیرد ، دشمن ماست و ما محقیم بر سرشان بمب بریزیم و کشورشان را به عصر حجر بریم و مردمانشان را در ابعاد میلیونی قتل عام- مجروح و معلول گردانیم . "

ملاحظه می گردد نتیجه " فرمول " آقای مصداقی ، حاکمیت بربریت انحصارات امپریالیستی بسرکردگی آمریکا بر افغانستان- یوگسلاوی- فلسطین- لبنان و عراق خواهد بود و عین همین سرنوشت در انتظار مردم ایران است . طبق این " فرمول " باید هرچه زودتر شتافت تا مبادا از قافله " تمدن " آمریکائی عقب ماند . نتیجه اش تصمیم گیری یک جانبه و یک طرفه ابر جنایتکار آمریکاست که بزعم مصداقی یا باید رژیم جمهوری اسلامی را تا ابد پذیرفت و یا اینکه بربریت امپریالیستی را بصورت مرحله ای که با تحریم اقتصادی آغاز و با تجاوز بربرمنشانه کامل می گردد را بجان خرید .

در جای دیگر مصداقی می گوید :

" این سیاست را که شما دست روی آن می گذارید یک بار حزب توده و سازمان اکثریت در سال های 58- 62 در کشورمان پیش بردند و همگی ما نتیجه ی آن را دیدیم . آن ها نغمه ی مخالف و آزادی خواهانه ی در کشور را همسو با منافع امپریالیسم ارزیابی کرده و آزادی خواهان را به ساواک ، فنودال ها و بزرگ سرمایه داران ، گارد شاهنشاهی ، اشرف پهلوی و ... منتسب می کردند . آن ها تحت عنوان مبارزه با امپریالیسم از سرکوب نیروهای مترقی توسط یک نیروی ارتجاعی و قرون وسطی دفاع می کردند "

اگر حزب توده و اکثریت به ناحق و نادرستی و بر اساس ماهیت ضد انقلابی شان چنین کردند ، چرا شما آقای مصداقی با درغلتیدن به راست به ناحق تر و نادرست تر نغمه شوم همکاری با غدارترین دشمنان بشریت را ساز می کنید . نکند بزعم شما که از زبان " مجاهدین " سخن می گوئید؛ دول امپریالیستی این بزرگترین دشمنان انسانیت به ناجیان بشر تبدیل گشته اند که ما از آن بی خبریم .

مصداقی با پافشاری در همکاری با محافل امپریالیستی چنین می گوید :

" اگر نیروهای مترقی ، پیشرو و انقلابی غیر ایرانی از من و شما پرسیدند که بسیار خوب از دست ما برای کمک به شما و کشورتان چه کاری ساخته است ، ما چه جواب می دهیم ؟ ما در خارج از کشور چه کمکی به مبارزات مردمان در داخل کشور می توانیم بکنیم ، چه پشتیبانی از آن ها به عمل می آوریم ؟

ملاحظه می گردد که این بی اعتمادی به مردم و تکیه بر محافل امپریالیستی در تمامی سطوح نوشتجات آقای مصداقی بوفور یافت میشود . ایشان هم چون " مجاهدین " ، بجای بکارگیری قاعده موثر تکیه بر مردم که با شرکت عظیم و گسترده خویش در تظاهرات اعتراضی ضد جنگ باعث افشاگری پیرامون سیاست تجاوزگرانه آنان شده بطوریکه میل صلح خواهی در جهان در حال افزایش است و در افکار جنگ طلبان محافل امپریالیستی آمریکا خلل عظیمی وارد نموده است .

در واقع تظاهرات صدها میلیونی مردم علیه جنگ افروزی دول امپریالیستی بعنوان یک قاعده اصول مبارزاتی از نظر آقای مصداقی قابل رویت نیست ، ولی نمونه تحریم علیه آفریقای جنوبی که استثنایی بود و در شرایط تاریخی کاملاً متفاوت با شرایط کنونی قرار داشت ، برای ایشان "قاعده" می گردد . تکیه بر محافل امپریالیستی- در رکاب امپریالیستها و بویژه آمریکا بودن ، لب کلام جریانات حکما ، سلطنت طلبان و مجاهدین است که از زبان مصداقی به روشنی جاری می گردد و این عمل را تنها چاره کار سرنگونی رژیم می دانند . بدون اهمیت از عواقب فاجعه آمیز تری که می تواند بعد از سرنگونی رژیم از طریق تجاوز و استقرار یک رژیم دست نشانده بر جامعه ایران بر قرار و جهانی بدتر از عراق را در جامعه حاکم گرداند .

از منظر مصداقی گویا همکاری نیروی های راستین سرنگونی طلب ایرانی با نیروهای مترقی ، پیشرو و انقلابی غیر ایرانی در خارج کشور که تا کنون قادر گشته اند میلیونها انسانهای آزادیخواه و صلح دوست را در مصاف با محافل امپریالیستی به خیابان ها بکشند عمل مبارزاتی معنی نمی دهد و صدای یک نواخت و پرطنین این نیروی میلیونی که ؛ خواهان خروج بی قید و شرط قوای اشغالگر

از عراق و افغانستان- خواهان خروج صهیونیست ها از فلسطین اشغالی- خواهان توقف کامل تهدیدهای اقتصادی و نظامی آمریکا علیه ایران بودند، گوش شنوایی ندارد و ایشان چون "مجاهدین" از میان جنگل انبوه تنها و فقط تک درختانی را بیشتر نمی بینند .
و یا در جای دیگر:

" دولت ها را کنار بگذارید خواسته ی ما از نیروهای مترقی اروپایی و آمریکایی چیست ؟ "
جوهر کلام ایشان کاملاً روشن است . از منظر وی؛ بدون دخالت دول امپریالیستی اروپایی و آمریکایی از دستمان کاری ساخته نیست . پس مورد بر دولت های امپریالیستی اروپایی و آمریکایی که با تحریم اقتصادی و سپس نظامی و با قتل عام صدها هزار تن، ایران را از سر رژیم قرون وسطی " آزاد " خواهند ساخت .
در جای دیگر :

" پیشنهاد ما به آن ها چیست ؟ به روابط گسترده اقتصادی و سیاسی خود با رژیم ادامه دهند ؟ چه اقدامی انجام دهند که در مسیر منافع مردم ما باشد؟ مگر می شود هم بالاترین حجم مبادلات تجاری و اقتصادی با رژیم را داشته باشند و هم از اپوزیسیون آن و حقوق بشر حمایت کنند ؟ "
این دیگر مشکل شما است که به امام زاده امپریالیسم دخیل بستید و قادر نیستید با اتکا به نیروی مردم ؛ هم علیه محافل امپریالیستی و هم علیه رژیم قرون وسطی مبارزه کنید !
مصدیقی پیرامون تحریم اقتصادی محافل امپریالیستی علیه ایران چنین می گوید :

" بدون تردید مردم نیز در این رهگذر متحمل خساراتی خواهند شد و با مشکلات عدیده ای روبرو می شوند . اما خطر و خسارات بزرگتر ادامه حیات رژیم جمهوری اسلامی است ... برای خلاص شدن از شر این دوره سختی بهتر از آن است که یک عمر سایه ی چنین رژیمی بر سر مردم ایران باشد "
از نظر مصدیقی و امثالهم ؛ مهم نیست صدها هزار نفر از مردم و بویژه کودکان و زنان چون عراق در اثر این حرکت ضد انسانی محافل امپریالیستی به کام مرگ کشیده شوند ، مهم این است که یک عمر سایه ی رژیم قرون وسطی بر سرشان نباشد . حتی اگر رژیم بعد از سرنگونی رژیم دست نشانده محافل امپریالیستی باشد که غیر این نخواهد بود .

در واقع بطور روشن آقای مصدیقی وجود رژیم دست نشانده محافل امپریالیستی بسرکردگی آمریکا بر سرنوشت مردم ایران را ارجح و عین " حق " می داند ، و درکش از منافع مردم ، تابعیت آنان از وجود چنین رژیم گوش بفرمان انحصارات آمریکایی است و این امر را هم عین رهانی مردم از سیاهی و تباهی می داند .
در جای دیگر:

" خیلی ها کلیه شان را به قیمت 1- 2 میلیون تومان می فروشند . مادر مستاصل و درمانده ، برای تامین معاش بقیه اعضای خانواده و رفع گرفتاری های لاعلاجی که با آن دست به گریبان است ، دخترش را به دبی برده و به بهایی بسیار کمتر از این پول به دست شیوخ متحمول عرب برای همخوابگی می سپارد . "

امری کاملاً درست و در انطباق با اوضاع دهشتناک ایران است . ولی آقای مصدیقی تصور می کنید وضع در کشورهای افغانستان و عراق اشغالی در سایه دولت دست نشانده آمریکایی بهتر از ایران است . و یا حقیقتاً قادر به دیدن وضع مردم یوگسلاوی سابق که هم اکنون در پرتوی دول اروپایی- آمریکایی کشورشان تکه تکه شده و به بزرگترین روسپی خانه اروپا تبدیل گشته است ، نمی باشید ؟؟؟!!! توصیه می کنم اگر وقت داشتید حتما سری به کشورهای تکه پاره شده یوگسلاوی سابق بزنید ، با مردم آن دیار درباره وضع گذشته و حالشان صحبت کنید تا به عمق جنایتکاری و غارتگری دول امپریالیستی در عمل پی ببرید .

بحث به هیچ عنوان بر سر ماندگاری رژیم قرون وسطی نیست . از الزامات و ضروریات حتمی است که این رژیم قرون وسطی باید توسط انقلاب قهر آمیز مردم از اریکه قدرت بی درنگ پائین کشیده شود ، بلکه سخن بر سر رژیمی است که باید نماینده واقعی مردم باشد و چنین رژیمی هرگز

و از محالات تاریخ است که نمی تواند محصول تجاوزگری باشد. ولی عکس آن صادق است که حاصل کار تجاوزگران همیشه در طول تاریخ؛ رژیم های دست نشانده و گوش بفرمان بوده است. در جای دیگر:

" اگر فردا کارگران شرکت نفت ، مانند دوران انقلاب ، دست به اعتصاب سراسری زده و اجازه خروج یک قطره نفت را ندادند ، تکلیف مردم در این میان چه می شود ؟ "

آیا بستن شیر نفت توسط کارگران در زمان شاه برابر با تحریم اقتصادی دول امپریالیستی است ؟ آیا تحمل آگاهانه سختی و فشارهای اقتصادی مردم در دوران اعتصابات کارگری که نمونه عالی از دوران همکاری و فداکاری مردم جهت سرنگونی رژیم شاه بود ، و بعنوان دوران شیرین روزهای انقلاب در تاریخ ثبت است ، از نظر آقای مصداقی چگونه و با چه معیاری اعتصابات کارگری می تواند با تحریم های جنایتکارانه دول امپریالیستی علیه کشورها قابل قیاس گردد ، با توجه به نمونه عراق که دوران تحریم را به تلخ گام ترین روزهای زندگی مردم عراق تبدیل نمود و حاصلش بیش از یک میلیون کشته و معلول بود ؟؟؟!!!

درک این مطلب مشکل است که اصولاً چنین تحریم هائی از اساس و پایه ی ارتجاعی است و دارای پایگاه طبقاتی ضد انسانی می باشد . با توجه باین امر که خود دول تحریم کننده ، بزرگترین دشمنان بشریت تحت ستم و بزرگترین نیروهای استعماری و استثماراری تاریخ اند . اگر این تصور ناشی از خطای معرفتی نباشد ، فقط تنها بشرط اتکا بر محافل امپریالیستی است ، که می توان از مظهر پلیدی و جنایتکاری در جهان توقع " رهائی " یک ملتی را خواستار شد .

درک این مطلب مشکل است که اعتصاب کارگران شرکت نفت علیه رژیم فاشیستی شاه که با بستن شیر نفت توانست ضربه مهلکی بر پیکر رژیم وابسته به امپریالیسم آمریکا وارد گرداند ، امری آگاهانه و هدفمند بود . امری که ناشی از ادامه مبارزه طبقاتی بین ستمدیدگان و ستمگران ، و بمثابه یکی از اصول اساسی هر انقلاب مردمی است ، امری که آغازی برای شرکت گسترده مردم در یک اعتصاب سیاسی عمومی سراسری است . که شرط ضروری هر انقلاب خلقی است که اگر تحت رهبری سازمان سیاسی طبقه کارگر قرار داشته باشد ، مطمئناً به رهائی واقعی توده های زحمتکش از اسارت استثمارگران منتهی خواهد شد .

حال باید از آقای مصداقی سنوال کرد چگونه می توان دو مقوله (اعتصاب و تحریم) کاملاً

متضاد با یکدیگر را ، همسنگ و برابر دانست و بر آن نام عقل سلیم نهاد ؟؟؟!!!

مصداقی در پرسش خود که : " آیا ارائه اطلاعات کشور به دول خارجه جاسوسی به نفع اجانب نیست؟ آیا ما حق داریم با افشای اطلاعات سری ، سرنوشت کشور و مردم را به مخاطره بیاندازیم؟ " پاسخ می دهد :

" قبل از هر چیز بایستی توضیح دهم که جاسوسی در خفا صورت می گیرد و اطلاعات آن نیز محرمانه به دشمن می رسد و غالباً منافع حقیر اقتصادی و مادی عامل آن است . در حالی که در ارتباط با مسئله ی هسته ای و ارائه ی اطلاعات آن ، ما با افشاگری ، آن هم در سطح عمومی و توسط یک جریان سیاسی ریشه دار مانند مجاهدین ، مواجه هستیم و هیچ عقل سلیمی و یا کسی که ریگی به کفش ندارد نمی تواند آن را جاسوسی بنامد . "

آقای مصداقی! بیهوده صحبت بس است از پرت و بلاگویی، دست بر دارید . آخر این همه

مجیزگونی از مجاهدین بچه قیمت ! شما که خود را عقل کل می دانید و دیگران را بسبک "مجاهدین" به بیعقلی و ارتباط با رژیم قرون وسطی متهم می کنید ، می توانید بگویند ، در عمل؛ در اختیار گذاشتن اطلاعات محرمانه کشوری آنهم در اختیار کشوری که دشمن غدارش است ، چه نامی جز جاسوسی می توان بر آن گذاشت ؟ در اختیار گذاشتن اطلاعات محرمانه ایران به دشمن آمریکائی اش که در صدد است بشیوه تجاوزکارانه با بمب های باستر هوشمند اتمی آن را به عصر حجر بفرستد ، اگر جاسوسی نیست، که هست ، که باید در قبالتش نام " مجاهدین " از لیست تروریستی خارج شود تا با جمع آوری " کمک " های مالی بتواند مخارج هواپیما و هتل های آنچنانی " هوادارانش " را مهیا گرداند، اگر نامش منافع حقیر اقتصادی نیست پس چه نام دارد ؟ روشن است

اگر اطلاعات محرمانه در اختیار کشوری انقلابی قرار می گرفت موضوع از اساس فرق می کرد ، ولی اطلاعات به کشوری که مظهر جنگ و جنایت است و اموراتش از طریق جاسوس پروری جهت دخالت‌های استعماری و استثماری میگذرد ، نمی تواند بجای افکار عمومی به دیگران غالب گردد و از عقل سالمی برخوردار باشد .

و یا در جای دیگر:

" واقعیت را نمی توان انکار کرد یا آدم عاقل چنین کاری نمی کند . تمامی تغییر و تحولات چه مثبت و چه منفی در طول صد سال گذشته در کشور ما به نوعی با شرایط بین المللی و منافع قدرت های بین المللی گره خورده است .

صد سال پیش در تضاد بین منافع روس و انگلیس نیروهای ملی ، مترقی و پیشرو ایرانی از فرصت به دست آمده استفاده کرده و نهضت مشروطیت اوج گرفت "

گذشته از درک غلط ایشان از انقلاب مشروطه که مقاله جداگانه ای را می طلبد ، ولی اشاره به دو نکته خالی از فایده نیست . اولاً ؛ انقلاب مشروطه ایران ، نه نتیجه اعمال فرصت طلبانه نیروهای آزادیخواه و انقلابیون بود آنطوری که مصداقی عنوان می کند ، بلکه با الهام از اولین انقلاب بورژوا-دمکراتیک روسیه در سال 1905 بوقوع پیوست که جرقه های آن در ایران زده شد . دوماً ؛ آقای مصداقی با اشاره به تاریخ سرنوشت مردم ایران در 100 سال گذشته که همواره با دخالت های دول امپریالیستی همراه بوده بجای درس آموزی از دخالت بیگانگان در امور کشورمان که حاصلش چیزی جز رژیم های دست نشانده و گوش بفرمان نبوده است ، برعکس دیگر منتقدان و تحلیلگران سیاسی که با استناد به نمونه های منفی بر پرهیز از آن تکیه دارند ، اساس تحلیل اش را بر پایه این گونه نمونه های منفی استوار نموده و اصرار بر بکار گیری آن می ورزد . بی دلیل نیست که ایشان خواهان فشار هر چه بیشتر آنها از نوع " هرچه شدیدتر و سریع تر " آمریکا علیه ایران توسط تحریم های اقتصادی می باشد .

تا کنون تا بوده چنین بوده است که آزادیخواهان و نیروهای مترقی و انقلابی جهت پرهیز از تکرار مجدد نمونه های استعماری و غارتگرانه دخالت دول بیگانه در امورات دیگر کشورها ، با استناد به نمونه های منفی تاریخی بر ضرورت استقلال واقعی کشور تکیه داشته اند . ولی عجیب و حیرت آور است که آقای مصداقی بر عکس دیگران عمل می کند و بر تکرار مجدد این نمونه های منفی اصرار دارد و آنها را یگانه راه نجات مردم ایران از شر رژیم قرون وسطی می داند .

ملاحظه دارید که تکیه بر قدرت های امپریالیستی چون خط قرمزی در کلیه پرسش و پاسخ های آقای مصداقی نه تنها بچشم می خورد ، بلکه از برجستگی ویژه ای برخوردار است که در اینجا بخاطر جلوگیری از اطاله کلام تنها به پاره ای از گفته های ایشان بسنده گردید .

بهمن ادیب 2007/02/07